



تحلیل نشانه-معنانشناسانه نظام گفتمان

امام رضا (علیه السلام) (پژوهش موردی: دعای طلب باران)

دریافت: ۱۳۹۷/۹/۵ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۷

علی اکبر نورسیده^۱، رقیه پوربایرام الوارس^۲

چکیده

نشانه-معنانشناسی از جمله ابزارهای ارزیابی چگونگی تولید و دریافت معنا در تحلیل گفتمان است. این دانش نوین با پشت‌سرنهاندن نشانه‌شناسی کلاسیک، مجال را برای بروز نشانه‌ها با مدلول‌های نو در مسیری استعلایی فراهم می‌آورد. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و به‌منظور بررسی نشانه معنانشناسانه گفتمان امام رضا (علیه السلام)، «دعای طلب باران» برای بررسی انتخاب شده است. این دعا به دلیل داشتن ماهیت گفتمان روایی، حاوی شوش‌ها و گنیش‌های متعدد و ارزش‌محور است و از این لحاظ برای بررسی نشانه-معنانشناسانه نظام‌های حاکم در آن شایسته توجه است. امام رضا (علیه السلام) به عنوان وارث و پرچمدار امامت، مانند سایر ائمه (علیهم‌السلام) وظیفه انتقال و ترویج مفهوم امامت را بر دوش می‌کشد. ایشان برای تحقق این مهم از روش‌های متعددی به‌طور واضح و پنهان بهره می‌گیرند اما در مواجهه با مأمون مانند برخی ائمه (علیهم‌السلام)، شیوه تقیه را برمی‌گزینند و القای غیرمستقیم آموزه‌های مورد نظر خود یعنی هژمونی امامت از طریق «دعای باران» را انتخاب می‌کنند. این پژوهش چگونگی رقم خوردن هژمونی مطلوب امام رضا (علیه السلام) یعنی ابلاغ و ترویج امامت فراخور زمان را نشان می‌دهد. برای شناساندن این هژمونی نیازمند ابزاری هستیم که با کنکاش انواع گفتمان، ما را با پاسخی مناسب مواجه کند. نشانه-معنانشناسی به عنوان ابزاری دقیق می‌تواند ما را در تحقق این مهم یاری کند. در این جستار، انواع نظام‌های گفتمانی از قبیل نظام کنشی، نظام عاطفی و نظام تنش‌ی و شگردهای پردازش مفهوم، انتقال پیام و ارتباط با مخاطب در متن «دعای باران» ارزیابی و نشان داده شده است که امام رضا (علیه السلام) از نظام‌های گفتمان چگونه بهره می‌گیرد و به تبیین حقانیت ولایت خود و خاندان مطهرشان می‌پردازد و گفتمان ولایت را هژمونیک می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: نشانه-معنانشناسی، نظام‌های گفتمان، هژمونی، امام رضا (علیه السلام)، دعای طلب باران.

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول): noresideh@semnan.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی دانشگاه سمنان: r.poorbairam@semnan.ac.ir

مقدمه

همه‌جانبه و فراگیر بودن زبان موجب شد رویکردهای متفاوتی برای بررسی آن به وجود آید. «نشانه - معناشناسی» یکی از رویکردها و ابزارهای نوین تحلیل گفتمان است. این دانش به مطالعه گفتمان‌هایی می‌پردازد که «در آنها عملیات گفتمانی راهی به‌سوی تولید گفتمانی متفاوت و غیرمنتظره است. بنابراین، گفتمان محلی برای ثبت ارزش، تولید، دگرگونی، بازسازی و تحول آن به‌سوی ارزشی جدید و متفاوت می‌گردد» (شعیری، ۱۳۹۴: ۳) و ادبیات تعلیمی با دربرداشتن ماهیت ارزش‌محور، جولانگاه مناسبی برای بررسی چگونگی تولید و دریافت نظام‌های ارزشی است.

از دیرباز تاکنون هژمونیک کردن سخن به‌عنوان عنصری برای القای مفاهیم و انجام نیات و درخواست‌های گفته‌پرداز، به‌طور غیرمستقیم در متون مختلف از جمله تعلیمی - دینی به‌وفور دیده می‌شود. «به لحاظ هستی‌شناسی، گفتمان‌ها به این مطلب اشاره دارند که حقایق ثابت بیرونی وجود ندارند و تنها از طریق گفتمان است که این حقایق بازنمایی می‌شوند. بنابراین، جهان اجتماعی محصول گفتمان‌هاست و حتی کنش انسان‌ها را نیز متناسب با این حقیقت تولید می‌کند. از دیدگاه «لاکلا و موف»^۱ گفتمان جهان اجتماعی را در قالب معنا می‌سازد. این ساخت از طریق زبان که ماهیتی بی‌ثبات دارد، انجام می‌شود. در نتیجه، گفتمان‌ها اموری بسته و تغییرناپذیر نیستند و هویت خود را به‌واسطه نوع ارتباطی که با سایر گفتمان‌ها دارند، بازتعریف می‌کنند. گفتمان وقتی توانست به یک ثبات نسبی برسد و نظام معنایی خود را تثبیت کند، به یک گفتمان هژمونیک تبدیل می‌گردد» (شعیری و مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۱). در این پژوهش با رویکرد هژمونیک - رویکردی غیرمستقیم که به کشف زوایای نهان سخن می‌پردازد - گفتمان و روش هژمونیک کردن حق مسلم امامت توسط امام رضا (علیه‌السلام) را بررسی و تحلیل خواهیم کرد؛ یعنی این بُعد نهفته گفتمان به نمایه اصلی تکوین گفتمان تبدیل می‌شود. آنچه واضح است اینکه هر گفتمانی، اعم از گفتمان هژمونیک، برای تکوین، طرد و غلبه بر سایر گفتمان‌ها،

1. Laclau & Mouffe

نیازمند ابزار و مصالحی است. در حقیقت، در این پژوهش با ابزار نشانه - معناشناسی به کشف شگردهای معناسازی با محوریت هژمونی پیش خواهیم رفت تا نشان دهیم امام (علیه السلام) چگونه به ترویج و تعلیم حق امامت می‌پردازد. هر یک از ائمه (علیهم السلام) برای اثبات حق خود یعنی حق امامت، با بهره‌گیری از روش‌های مختلف و متناسب، با حکام زمانشان تعامل کردند. گروهی از ایشان با رؤیایی مستقیم، گروهی با تکیه و ابزارهای مختلفی چون خطابه و دعا، به دفاع و ترویج از مسئله امامت پرداخته‌اند. در بررسی گفتمان امام رضا (علیه السلام) در دعای باران نیز در جملاتی عین‌واژگان و گاهی مفهوم‌کنایی آن اشاراتی به مسئله امامت و غصب آن دارد و این همان هژمونی است، یعنی درخواست غیرآمرانه و مخفی در گنه جملات، که در پی اثبات معنا در ذهن مخاطب خاص یعنی خلیفه وقت و مخاطب عام یعنی مردم دارد. مخاطب امام و گفته‌یابان آنانی هستند که خطبه را می‌شنوند و می‌خوانند، آنان که برای طلب باران به صحرا آمده‌اند و آنان که توطئه کردند، هم‌اکنون به‌عنوان گفته‌یاب، مخاطب گفتمان ایشان هستند. در حقیقت، تحدی و چالش مذکور با نزول باران به گفته‌یاب خاص و عام منتقل می‌شود. در این جستار به تحلیل نظام‌های متعدد گفتمانی همچون نظام کنشی، نظام تنشی و نظام عاطفی در «دعای باران» از باب چهل‌ویکم کتاب «عیون أخبار الرضا» (جلد دوم صفحات ۱۷۹ تا ۱۸۳) خواهیم پرداخت.

هدف و ضرورت پژوهش

هدف این پژوهش حرکت در جهت معرفی زوایای متعدد کلام اولیای دین به‌منظور آشنایی مخاطب با چگونگی تولید و دریافت معناست. این پژوهش در جهت بررسی شکل‌گیری، تولید و دریافت معنا در گفتمان امام رضا (علیه السلام) در زمینه ادبیات تعلیمی - به‌عنوان نمونه دعای طلب باران - را با رویکردی نشانه - معناشناسانه و در سه نظام گفتمانی بررسی و با این رویکرد، هژمونی و باور امامت و ولایت را بررسی می‌کند تا در سایه چگونگی شکل‌گیری نظام‌های گفتمانی چون کنشی، عاطفی و تنشی، علاوه بر معرفی زوایای متعدد و متکثر معنا، مخاطب را با منبع و منشأ شکل‌گیری این نظام‌های گفتمانی و چگونگی فرایند

هژمونیک کردن اعتقادات و باورهای دینی از منظور امام معصوم (علیه السلام) آشنا سازد. تحلیل گفتمان بزرگان دین بر مبنای نظرهای جدید موجب تبیین بهتر آنها در ذهن مخاطب می گردد و زوایای پنهان و مهم آن را کشف می کند. از این رو، ضرورت بررسی نمونه ای از فرمایش های امام رضا (علیه السلام) بر مبنای نظریه نشانه - معناشناسی احساس شده است.

سؤال های پژوهش

۱. گفتمان کُنشی در دعای طلب باران چگونه شکل می گیرد و به تولید کنش های ارزش آفرین و تعلیمی منجر می شود؟
۲. نظام عاطفی گفتمان امام رضا (علیه السلام) چگونه شَوش های ولایت محور و تعلیمی را تولید می کند؟
۳. نظام تنشی موجود در گفتمان امام رضا (علیه السلام) چگونه حالات روحی شَوشگران را در دستیابی به مفهوم عبودیت و ولایت، به تصویر می کشد؟
۴. نظام های مذکور (کنشی، تنشی و عاطفی) چگونه در خدمت هژمونی قرار می گیرند و معانی مطلوب امام را تولید می کنند؟

فرضیه های پژوهش

هر تحقیقی متناسب با پرسش هایی طرح ریزی می شود و فرضیه ها پاسخ هایی است که در آغاز به ذهن پژوهشگر خطور می کند. در پاسخ به پرسش های مطرح شده در بحث حاضر، به فرضیه های زیر رسیدیم:

۱. در گفتمان کُنشی، امام رضا (علیه السلام) با استفاده از نظام کُنشی تجویزی به عنوان کُنش گزار، مفاهیم تعلیمی و ولایی را پایه گذاری می کند.

۲. در نظام عاطفی گفتمان، تمام شوش‌ها به گُنش آموزش مستقیم و غیرمستقیم مسئله امامت و هژمونیک کردن مسئله ولایت منجر می‌شود.

۳. نظام تنشی گفتمان امام رضا (علیه السلام) به گونه غیرمستقیم دستیابی به ارزش عبادت و امامت در محور گستره‌ها و فشارها را به تصویر می‌کشد.

۴. گفته‌پرداز (امام رضا (علیه السلام)) نظام‌های گفتمانی خود (دعای طلب باران) را به گونه‌ای شکل می‌دهد که حق امامت و ولایت به شوشگران (مردم) انتقال یابد.

پیشینه پژوهش

نشانه - معناشناسی در ایران بیشتر با نظریه‌های شعیری شناخته شده است. از جمله آثار وی در این زمینه می‌توان به کتاب «تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان» (۱۳۹۴) و نیز کتاب «نشانه - معناشناسی ادبیات: نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی» (۱۳۹۵) اشاره کرد. نویسندگان در این دو کتاب با ذکر مثال به نظام‌های گفتمانی و چگونگی تکثر معنا در هر یک از این نظام‌ها پرداخته است. پس از ارائه این نظریه، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های متعددی در این زمینه نگارش یافت. از جمله می‌توان به مقاله «تحلیل نشانه - معناشناختی شعر «آرش کمانگیر» و «عقاب» نوشته داودی مقدم اشاره کرد که نویسنده گفتمان‌های موجود در اشعار مذکور را بررسی کرده و در پی پاسخ به این پرسش است که شعر روایی فارسی تا چه حد ظرفیت تحلیل نظام‌های گفتمانی را داراست. در زبان عربی، از جمله مقاله‌های حوزه نشانه - معناشناسی، می‌توان به مقاله «میرزایی و امیدی» با عنوان «تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمانی، در داستان کوتاه «خال» اثر نجیب محفوظ» (۱۳۹۵) اشاره کرد. در مقاله یادشده، نویسندگان عناصر عاطفی گفتمان را بررسی کرده‌اند. همچنین می‌توان به مقاله «نشانه - معناشناسی روایی رمان «و ماتشاوون» براساس نظریه گریماس» نوشته نصیحت و دیگران (۱۳۹۱) اشاره کرد که نویسندگان در آن به شرایط تولید و دریافت معنا در نظام گفتمان روایی رمان مذکور بر اساس تحلیل انواع نظام گفتمانی حاکم در آن و

نیز بررسی شش‌ها و گُش‌های سازنده گفتمان این رمان پرداخته‌اند. با وجود تعدد آثار در زمینه‌نشانه - معناشناسی، تاکنون پژوهشی بر مبنای تحلیل هژمونیک نشانه - معناها در ادبیات دینی صورت نگرفته است. بنابراین، می‌توان اظهار داشت طرح مباحث نشانه - معناشناسی و پیوند آن با هژمونی، محصول کار این پژوهش است و تاکنون توسط افراد دیگری طرح و بررسی نشده است. این مقاله با رویکردی نو، به تحلیل نشانه - معناهای موجود در «دعای طلب باران» به‌عنوان یکی از گفتمان‌های امام رضا (علیه‌السلام) می‌پردازد تا جلوه‌های متفاوت شکل‌گیری نشانه - معناها و نظام‌های ارزشی را آشکار سازد.

دعای طلب باران

دعای باران در باب چهلیم کتاب «عیون أخبار الرضا» (صفحات ۱۷۹ تا ۱۸۳) آمده است. پس از ولایتعهدی امام رضا (علیه‌السلام)، برای مدتی باران نبارید. نزدیکان مأمون این امر را دستاویز قرار دادند و نزد مأمون به سخن‌چینی از امام پرداختند که چون امام (علیه‌السلام) ولی عهد شده، خداوند باران خود را از آنان گرفته است و اصطلاحاً ولی‌عهدی ایشان بدیمن است. مأمون در پی این سخن‌ها از امام (علیه‌السلام) درخواست دعای باران کرد. حضرت این امر را به دوشنبه روزی موکول فرمودند. طبق الهامی که در عالم رؤیا از جانب رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم) به امام (علیه‌السلام) شده بود، مردم را به یکی از بیابان‌های اطراف شهر رهنمون شدند. روز موعود ده بار ابرهای مختلف از آن منطقه عبور کردند. مردم گمان می‌کردند باران خواهد بارید و شادمانی زیادی آنان را فرا می‌گرفت، ولی امام می‌فرمودند این ابر برای فلان سرزمین است و روزی شما نیست. تا اینکه یازدهمین بار ابری بر فراز آسمان آن منطقه ظاهر شد. امام (علیه‌السلام) خطاب به مردم فرمودند: روزی شما همین ابر است. سپس از مردم خواستند به خانه‌های خود برگردند چون ابر پربارانی بود و بیم آسیب به مردم را داشتند. پس از آنکه مردم به خانه‌های خود بازگشتند، بارانی سیل‌آسا بارید و خشکسالی را از بین برد. نکته مهم اینکه حضرت در دعای خود از خداوند طلب بارانی غیرمضر و سودمند پس از بازگشت مردم به خانه‌های خود کردند و متذکر شدند که مردم امید به ما اهل بیت بسته‌اند و

برآورده شدن این دعا نوعی تأیید حقانیت خاندان نبوت است.

چارچوب نظری پژوهش

در این بخش اصول نظری نشانه - معناشناسی را تبیین و تاریخچه این نظریه را بیان خواهیم کرد. سپس با گذار از نشانه‌شناسی سوسوری و پیرسی، به بیان مقدمات می‌پردازیم. در ادامه، چارچوب‌های مذکور را در نظام‌های سه‌گانه گفت‌وگو امام رضا (علیه السلام) در «دعای طلب باران» را تبیین خواهیم کرد.

۱. از نشانه‌شناسی تا نشانه - معناشناسی

با مطالعه تحولات نشانه زمینه دریافت چگونگی گذر از نشانه‌شناسی ساخت‌گرا به نشانه - معناشناسی گفت‌وگویی هموار می‌گردد. «فردینال دو سوسور»^۱ که او را پدر علم نشانه‌شناسی نوین نامیده‌اند، حیات نشانه‌ها را منوط به زندگی اجتماعی مطالعه می‌دانست. به‌زعم وی، رابطه دال و مدلول مطابق قرار داد و توافقی صورت می‌گیرد که مورد توافق در جامعه است و زمانی می‌توان به نشانه‌ها دست یافت که رابطه ساختاری برخی نشانه‌ها را با نشانه‌های دیگر سنجید. او رابطه میان دال و مدلول را جدایی‌ناپذیر می‌داند و برای تشریح این مطلب از دوروی کاغذ استفاده می‌کند؛ یعنی همان‌گونه که نمی‌توان دو روی کاغذ را از یکدیگر جدا کرد، به همین ترتیب، رابطه دال و مدلول نیز گسست‌ناپذیر است. بر اساس دیدگاه سوسور، نشانه امری انتزاعی و ذهنی است به‌گونه‌ای که هر دالی یادآور مدلولی خاص در ذهن است. او «با تفکیک زبان (long) از گفتار (parol) به‌نوعی آغازگر ساختارگرایی شناخته می‌شود. لانگ جنبه نظام‌یافته زبان است که پیش از فرد وجود دارد و افراد در سخن گفتن تابع آن هستند. پارول همان جنبه فردی زبان است که به‌صورت گفتار ظاهر می‌شود. ساختارگرایان بر اساس همین طرز تفکر، خود را در برابر

1. saussure

نظام تقریباً ثابتی می‌دیدند که به دلیل نیاز گویندگان به ارتباط و انتقال مفاهیم، وحدتی از معنا را در خود حفظ می‌کند.» (شعیری و معموری، ۱۳۸۶: ۱۶۶). لذا، در نشانه‌شناسی سوسوری «رابطه بین عناصر تشکیل دهنده نشانه، مکانیکی و خالی از حضور عامل بشری است زیرا نشانه در قالب ارزش‌های متعین در زبان جاری می‌شود و فقط زمانی نشانه شکل می‌گیرد که معنی در زبان منجمد گردد. این امر در قالب رابطه دال و مدلول، در خور مطالعه است.» (داودی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۶۲). اما «ساختارگرایی پاسخگوی همه نیازهای نشانه‌ای نیست. گاهی رابطه بین دال و مدلول بر اساس پیوستار و گاهی بر اساس ناپیوستار تبیین می‌شود. «تیر» و «سیر» رابطه‌ای ناپیوستار دارند؛ یعنی بین آنها هیچ چیز واسطه‌ای وجود ندارد (شعیری، ۱۳۸۸: ۳۹). همچنین «نکته مهم دیگری در نشانه سوسوری، انزوا، انقطاع و منفک بودن آن است. نشانه‌ها در رابطه سیستمی قرار دارند و خارج از فرایند زبانی فرایند مورد نظر هستند. مفهوم سیستم در نظام سوسوری از تعریف ارزشی ناشی می‌شود. دو ویژگی مهم نشانه سوسوری، اختیاری و الزامی بودن آن است. نشانه الزامی یعنی اینکه رابطه بین دال و مدلول، رابطه لازم و ملزوم است و به خاستگاه مادی نشانه هیچ ربطی ندارد» (همان: ۳۹).

«چارلز پیرس سندر»^۱ از جمله دیگر نشانه‌شناسان ساختارگراست که از او به عنوان پدر سنت‌شناسی آمریکایی یاد می‌شود. او از مفهوم «دالت» برای تشریح و بسط نظریه نشانه‌شناسی خود استفاده می‌کند. در سنت نشانه‌شناسی او، «نشانه»، «مفسر» و «موضوع» سه ضلع اصلی مثلث نشانه‌شناختی را تشکیل می‌دهند. «پیرس» نیز مانند سوسور تمرکز خود را بر نشانه استوار ساخت و در زمره ساختارگرایان جای گرفت. در نظر او «سه نوع نشانه، یعنی آیکون (شمایل)، نمایه و نماد اهمیت بسزایی دارند. آیکون (شمایل) از دیدگاه پیرس نشانه است که در آن رابطه میان بازنمون و موضوع، مبتنی بر شباهت است. نمایه از دیدگاه پیرس نشانه‌ای است که در آن رابطه میان بازنمون و موضوع، مبتنی بر رابطه علی و معلولی است.» (توحیدلو و شعیری، ۱۳۹۶: ۸۸). اما پس از مدتی دیگر، ساختارگرایی و اعتقاد به نظام بسته معنایی پاسخگوی تولیدات زبانی نبود.

1. Pierce

«یلمسلف»^۱ از کسانی است که تا حدودی وضعیت انجماد نشانگی را تغییر داده است. این نشانه‌شناس دانمارکی به جای دو اصطلاح رایج دال و مدلول، از دو اصطلاح «سطح بیان» و «سطح محتوا» استفاده و آنها را نیز به صورت و ماده تقسیم کرد. مطابق نظر یلمسلف «این گونه نیست که دال و مدلول با یکدیگر الزام هستی‌شناختی داشته باشند؛ یعنی چنین نیست که مدلول لزوماً باید به تناسب دال فراخوانده شود بلکه این دو صرفاً در فراخوانده شدن بر یکدیگر ملزم می‌شوند. به عبارت دیگر، سرخی می‌تواند دالی باشد برای مدلول‌های بسیار، اما به محض اینکه برای مدلول خاصی، مثلاً خشم یا عشق توسط عنصر میانجی فراخوانده شد، دیگر این دو از هم جداشدنی نیستند» (زیرک، ۱۳۹۵: ۷۹). از این‌رو «دیدگاه یلمسلف و مطالعه پلان‌های زبانی و نوع ارتباط آنها با یکدیگر، سبب می‌شود بررسی نشانه‌ها از چارچوب محدود تحت تسلط رابطه تقابلی سوسوری و نظام بسته دال و مدلولی خارج و وارد نظام فرایندی شود. سطح بیان و محتوا که در دیدگاه یلمسلفی جایگزین دال و مدلول سوسوری شده‌اند، قابلیت جابه‌جایی بیشتری دارند و مرز میان آنها قطعی و از پیش تعیین شده نیست. این مرز معنایی هر بار به وسیله سوژه و موضعگیری او جابه‌جا می‌شود.» (آیتی، ۱۳۹۲: ۳).

«آلژین داس گریماس»^۲ که از او به عنوان پدر معناشناسی نوین یاد می‌شود، با الگوگرفتن از طرح نظریه سطح بیان و سطح محتوای یلمسلف، دو اصطلاح «برون نشانه» و «درون نشانه» را مطرح کرد و با طرح مسئله حضور انسان به عنوان گفته‌پرداز و با ارتباط پدیدارشناختی با نشانه، زمینه‌ساز عبور از نشانه‌شناسی ساخت‌گرا به نشانه‌شناختی گفتمانی شد. حضور عاملی به نام گفته‌پرداز باعث شد حوزه‌های جدیدی در علم نشانه - معناشناسی کشف و مطالعه شود. بی شک «مطالعات گریماس در دوره دوم سیر اندیشه‌هایش، تداعی‌کننده عبور از نشانه‌شناسی ساختارگرا و پایه‌گذار نشانه - معناشناسی گفتمان است. آنچه مطالعات گفتمانی را دگرگون و از شکل مکانیکی صرف خارج کرد، حضور عاملی به نام گفته‌پرداز بود.» (همان: ۲۴). بدین ترتیب «در رویکرد متأخر نشانه

1. Hjelmslev

2. Greimas

معناشناسی، تولید و تفسیر معنا به رابطه پدرسالارانه محدود یا منحصر نمی‌ماند، بلکه مستلزم رابطه‌ای تعاملی است که به‌موجب آن معنا امری سیال، گریزان و نامتعیّن به‌شمار می‌رود. بر این اساس، متن دیگر ابژه‌ای مادی تلقی نمی‌شود که در انتظار رمزگشایی است. (آلگونه جونقانی، ۱۳۹۶: ۵).

از جمله رویکردهای مفید برای تحلیل گفتمان، رویکرد نشانه‌معناشناسی است. این دانش «ابزاری علمی است که با آن می‌توان سازوکار شکل‌گیری و تولید معنا را در گفتمان بررسی و مطالعه کرد.» (پارسا و رحیمی، ۱۳۹۵: ۲). همچنین به کمک این ابزار نوین می‌توان روند چگونگی استحاله نشانه‌ها در معنا و ایجاد ارزش‌های متفاوت و نقش آن در فرایند گفتمان را بررسی کرد. در این پژوهش، ضمن بررسی سه نظام گفتمانی چون نظام کنشی، عاطفی و تنشی نشان خواهیم داد که نشانه‌معناها چگونه در روند گفتمان تعلیمی متکثر می‌شوند و به معانی هژمونیک‌شده و تعلیمی دست می‌یابند.

۲. هژمونی

هژمونی به‌معنای اجماع و رسیدن به رضایت بدون توسل به خشونت است. به عبارت دیگر «هژمونی به‌معنای نوعی رضایت خودساخته و خودانگیخته است.» (گرامش و راثنی، ۱۳۸۸: ۱۰۴). گفتمان هژمونیک در اجتماع متولد می‌شود و در آن به کار می‌رود. در حقیقت «گفتمان، جهان اجتماعی را در قالب معنا می‌سازد.» (شعیری و مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۳). برای مثال، دین اسلام برای از میان بردن فقر، نوعی هژمونی فقرزدایی را بنا ساخت. «گفتمان قرآن با خلق معانی و رسیدن به اجماع توسط افراد جامعه، عرب جاهلی را متحول ساخت؛ این گونه که در مدینه و چند سال بعد در مکه و حتی شهرهای مجاور آن، فقرا تا قبل از این گفتمان، قطب بی ارزش جامعه بودند اما پس از ظهور اسلام به وسیله سیستم زکات، فیء و بخشی از غنایم جنگی مورد حمایت مالی قرار می‌گیرند.» (سلمانی و حمیدیه، ۱۳۹۴: ۵). بدین ترتیب، فقرزدایی یک ارزش جدید تلقی و شخص فقرزدا یک مصلح اجتماعی معرفی می‌شود و این ارزش جدید، محصول بیان هژمونیک اسلام می‌گردد و گفتمان اسلامی

با به حاشیه راندن گفتمان رقیب، هژمونیک می شود. «پیامد هژمونی شدن یک گفتمان، به معنای برجسته شدن نظام معنایی خود و به حاشیه راندن نظام های معنایی سایر رقبا (در اینجا تجمل گرایی) است.» (شعیری و مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۴). امام رضا (علیه السلام) در دعای طلب باران با گفتمانی هژمونیک شده و تعلیمی، توانسته است با جذب کنش ها و شوش ها در بیانی موجز، دال ها را به سمت مدلول های تعلیمی هدایت کند و با کنار زدن سایر گفتمان های موجود در آن زمان، گفتمان مطلوب خود را به شوشگران در زمان دعای باران منتقل کند. این انتقال هژمونیک گفتمان در فضای خاص آن زمان، بیش از هر سلاح و نبرد فاتحانه ای توانست مفاهیم مطلوب امام را منتقل کند.

۳. نظام گفتمانی کُنشی

در تعریف نظام گفتمان کُنشی، می توان گفت این نظام متشکل از یک برنامه برای تحقق و تبدیل حالت اولیه به حالت ثانویه است که به این برنامه کُنش می گویند. بنابراین، کنش به عملی گفته می شود که «می تواند ضمن تحقق برنامه ای، موجب تغییر وضعیتی به وضعیت دیگر شود.» (داودی مقدم، ۱۳۹۱: ۱۰۹). در گفتمان امام رضا (علیه السلام) در دعای باران، کُنش مطلوب دعایی است که به موجب آن باران ببارد. روایت از این قرار است: زمانی که مأمون، امام رضا (علیه السلام) را به عنوان ولی عهد انتخاب می کند، متعصبان و حاسدان اقدام به سخن چینی از امام نزد مأمون کردند که از هنگامی که ایشان ولی عهد گردیده آسمان خشک آمده است: «أَنَّ الرُّضَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى (عليه السلام) لَمَّا جَعَلَهُ المَأْمُونُ وَلِيَّ عَهْدِهِ احْتَبَسَ المَطَرُ فَجَعَلَ بَعْضُ حَاشِيَةِ المَأْمُونِ وَالمَتَعَصِّبِينَ عَلَيَّ الرُّضَا (عليه السلام) يَقُولُونَ: انْظُرُوا لَمَّا جَاءَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى (عليه السلام) وَ صَارَ وَلِيَّ عَهْدِنَا فَحَبَسَ اللَّهُ عَنَّا المَطَرَ.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۸۳). بنابراین، وضعیت اولیه در این گفتمان «خشکی و عدم بارش باران» است. امام به عنوان کُنشگر با داشتن برنامه ای دینی و با کنش دعا در جهت تحقق مسئله حقانیت ولایت و امامت (نتیجه کنش دعا) برمی آید. هنگامی که مأمون، زمان انجام کُنش را از امام می پرسد، ایشان می فرمایند: «يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَتَانِي الْبَارِحَةَ فِي مَنَامِي وَمَعَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ (عليه السلام) وَقَالَ: يَا بُنَيَّ انْتَظِرْ يَوْمَ

الْإِثْنَيْنِ فَابْرِزْ إِلَى الصَّحَرَاءِ وَاسْتَسْقِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَيُسْقِيهِمْ وَأَخْبِرُهُمْ بِمَا يُرِيدُكَ اللَّهُ مِمَّا لَا يَعْلَمُونَ مِنْ حَالِهِمْ لِيَزِدَّادَ عِلْمُهُمْ بِفَضْلِكَ وَمَكَانِكَ مِنْ رَبِّكَ عَزَّ وَجَلَّ» (فرمود: روز دوشنبه دعا می‌کنم زیرا دیشب رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین را در خواب دیدم و پیامبر فرمود: منتظر روز دوشنبه باش و به صحرا برو و برای مردم از خداوند عزوجل طلب باران کن و از آنچه نمی‌دانند آنها را باخبر ساز تا فضل و مقام تو را دریابند) (همان: ۱۸۳). بنابراین، برنامه امام برای کنش دعا و تحقق کنش یعنی باران و زمان اجرای آن، توسط پیامبر ﷺ و امام علی (علیه السلام) در اختیار ایشان قرار گرفته است.

در دعای باران، دو نوع نظام گفتمانی کنشی بازشناسی شد: کنشی - القایی (مجابی) و کنشی - تجویزی. در ادامه، ضمن معرفی هر نظام، گفتمان هژمونیک امام را بررسی و تحلیل خواهیم کرد.

۱-۳ نظام گفتمانی کنشی - القایی (مجابی)

در این نظام گفتمانی، مهم‌ترین مسئله، قدرت استدلال و مجاب‌سازی است. فرایند مجاب‌سازی می‌تواند دارای شکل‌های متفاوتی نظیر تشویق، تهدید، چابلوسی، رجز‌خوانی و تحریک و... باشد.» (شعیری، ۱۳۹۵: ۳۲). در گفتمان موجود در دعای باران، حضرت با استفاده از فعل دعا در صدد مجاب‌سازی شوشگران و قبولاندن گفتمان هژمونیک خود با کنار زدن گفتمان رایج است. بنابراین، نوع بیان ایشان به‌طور قطع در این بخش از دعا نوعی گفتمان کنش القایی و مجابی است؛ اگرچه این امر منکر وجود گفتمان مجابی القایی در دیگر گفتمان‌ها نیست. برای مثال، در ابتدای گفتمان مذکور حاسدان امام با ذکر مسئله خشکی آسمان، عدم بارش و ارتباط آن با مسئله ولی عهدی امام رضا (علیه السلام) توانستند مأمون را تحریک کنند: «لَمَّا جَعَلَهُ الْمَأْمُونُ وَلِيَّ عَهْدِهِ احْتَبَسَ الْمَطَرُ فَجَعَلَ بَعْضُ حَاشِيَةِ الْمَأْمُونِ وَالْمَتَعَصِّينَ عَلَى الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُونَ: أَنْظِرُوا لَمَّا جَاءَنَا عَلَى بْنِ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَصَارَ وَلِيَّ عَهْدِنَا فَحَبَسَ اللَّهُ عَنَّا الْمَطَرُ، وَاتَّصَلَ ذَلِكَ بِالْمَأْمُونِ فَاشْتَدَّ.» (وقتی مأمون حضرت رضا (علیه السلام) را ولی عهد خود قرار داد، مدتی باران نبارید. بعضی از اطرافیان بداندیش گفتند: ببینید از وقتی که علی بن موسی به سوی ما

آمده و ولی عهد شده، دیگر آسمان هم بر ما نمی بارد. این حرف به گوش مأمون رسید و بر او گران آمد (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۸۳). بنابراین، اطرافیان مأمون با القا و مجاب سازی مأمون نسبت به عدم بارش باران، او را به کنش وامی دارند تا او با امام این مسئله را مطرح کند و هسته اولیه و مهم ترین کنش توسط امام رضا (علیه السلام) یعنی دعای باران، صورت گیرد. بنابراین، القاگر توانسته است نوعی انگیزه کنش در القاشونده ایجاد کند:

عملیات القایی مأمون؛ فرایند کنشی درخواست دعا از امام توسط مأمون

در پاسخ به چنین گفتمانی، حضرت با کنش مجابی خود یعنی دعا کردن، پاسخی القایی و مجابی به کنشگران می دهد و فعل القایی مجابی خود را برخلاف فعل سخن چینان به جای پاسخ شفاهی، به انجام می رساند.

۳-۲ نظام گفتمانی کنشی-تجویزی

نظام گفتمانی تجویزی در راستای تحقق کنش صورت می گیرد و «بر میثاق یا قراردادی میان کنش گزار و کنشگر استوار است. بر اساس این نظام، گفتمان ما را با کنش گزاری مواجه می کند که در موقعیتی برتر نسبت به کنشگر قرار دارد و می تواند او را به انجام کنشی وادارد.» (داودی مقدم، ۱۳۹۱: ۱۱۲). امام پس از استفسار باران و اجابت آن، توصیه ها و ارشادهای خود را به مردم شروع می کند. در حقیقت، ایشان که یک کنش گزار است، به عنوان مقامی ارشد که سخنش قولش تلقی می شود، به نهی و امر مردم می پردازد و بدین ترتیب در این گفتمان رسالت اصلی ادبیات تعلیمی «که موضوع آن مسائل اخلاقی، عرفانی، مذهبی، اجتماعی، پند و اندرز، حکمت و... است» (داد، ۱۳۸۵: ۲۰)، تأمین می شود: «فقال: یا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فَيَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَلَا تَنْفَرُوهَا عَنْكُمْ بِعَاصِيهِ، بَلْ اسْتَدِمْوْهَا بِطَاعَتِهِ وَشُكْرِهِ عَلَى نِعَمِهِ وَأَيَادِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَا تَشْكُرُونَ اللَّهَ تَعَالَى بِشَيْءٍ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَبَعْدَ الْإِعْتِرَافِ بِحَقِّقِ أَوْلِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ «ص» أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ مُعَاوَنَتِكُمْ لِإِخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى دُنْيَاهُمْ الَّتِي هِيَ مَعْبَرٌ لَهُمْ إِلَى جَنَانِ رَبِّهِمْ، فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مِنْ خَاصَّةِ

الله... (پس فرمود: ای مردم از خدا به خاطر نعمت‌هایش تقوا پیشه کنید، و بدانید که نعمت‌های خدا را پس از ایمان به خدا و اعتراف به حقوق اولیای خدا چیزی بهتر از کمک به برادران مؤمن در دنیایی که محل عبور به بهشت پروردگار شماسست، برایتان باقی نخواهد گذاشت. پس هرکس چنین کند از خواص درگاه الهی است. بپرهیزید که با سرپیچی از او سلب نعمت شوید، بلکه با فرمانبری و سپاسگزاری از خدا همچنان نعمت‌هایش را برای خود داشته باشید.) (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۸۳). در این حالت، با نوعی تجویز منطقی یا عقلانی مواجهیم و از آنجاکه گفتمان «ادبیات تعلیمی از شرایط اجتماعی وام می‌گیرد و آن را در شکل پندهای اخلاقی یا نهی‌های انسانی بازنمایی می‌کند» (یلمه‌ها، ۱۳۹۵: ۸۶) بنابراین مردم با دیدن صحنه بارش باران، به حقانیت امامت و ولایت ایشان پی می‌برند.

۴. نظام عاطفی گفتمان

در هر زبانی، عواطف از طریق واژگان مطرح و ظاهر می‌شوند. واژگان مبتنی بر عواطف می‌تواند احساس و حالات شوشگر عاطفی را به ما بشناسانند و بیانگر ویژگی‌های شوشی - احساسی او به ما باشند. واژگان عاطفی گاه در قالب اسم (خشم، کینه، محبت، عشق) و گاه در قالب صفت (وحشتناک، پریشان و خسیس) و یا در قالب قید (باجله، شتابناک و مغرورانه) بیان شوند. در این جستار هدف از بررسی نظام عاطفی گفتمان، بررسی صرف واژگان عاطفی نیست، بلکه بررسی فرایندی است که این عواطف در آن به وجود می‌آیند. برای شناخت نظام عاطفی گفتمان، باید عناصر سازنده آن را بازشناخت و به تحلیل و نمونه‌آوری هریک پرداخت.

۱-۲. نقش افعال مؤثر در گفتمان عاطفی در گفتمان امام رضا (علیه السلام)

پس از تعریف نظام گفتمان عاطفی، در این بخش عناصر تشکیل دهنده و چگونگی ظهور آنها در گفتمان بررسی می‌شود. یکی از عناصر سازنده گفتمان عاطفی «افعال مؤثر» هستند که «خود مستقیماً نقش کنشی ندارند و بر افعال کنشی تأثیر می‌گذارند. این

افعال عبارتند از: خواستن، بایستن، دانستن، توانستن و باور داشتن.» (شعیری، ۱۳۹۴: ۱۴۸). این افعال در فرایند گفتمان، هم به‌طور صریح و هم به‌طور ضمنی ذکر می‌شوند و همچنین می‌تواند در تعامل یا چالش با یکدیگر قرار گیرند و گونه‌های ارزشی و بار عاطفی مختلفی را تولید کنند.

۲-۴ نقش آهنگ و نمود در گفتمان

مقصود از آهنگ گفتمان، ریتمی است که با هدف و برنامه خاصی در گفتمان ظاهر و یا ناپدید می‌گردد. در واقع، هر ریتم حاکم بر گفتمان، مسئول ایجاد اثرهای عاطفی گوناگون متناسب با موضوع گفتمان است به‌نحوی که شوگر به‌هنگام احساس ریتم در گفتمان، نمایه‌هایی را در فعالیت‌های جسمی و ادراکی خود بروز دهد. در مثال ارائه‌شده، کلمات امام به‌هنگام دعای طلب باران گویا تقلیدی از «ضرباهنگ قطرات بارش باران» است که با آهنگی کوبشی و مستمر تولید می‌گردد: «اللَّهُمَّ يَا رَبَّ أَنْتَ عَظَمْتَ حَقَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَتَوَسَّلُوا بِنَا كَمَا أَمَرْتَ وَأَمْلُوا فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ وَتَوَقَّعُوا إِحْسَانَكَ وَنِعْمَتَكَ، فَاسْقِهِمْ سَقِيًّا نَافِعًا عَامًّا غَيْرَ رَائِبٍ وَلَا ضَائِرٍ». (بارخدا، تو حق ما اهل بیت را بزرگ داشتی، مردم به ما متوسل شدند آن‌سان که تو امر کردی و به فضل و رحمت تو امید بستند و دل به احسان و نعمت تو دارند. پس آنان را به‌گونه‌ای سودمند و نه مضر سیراب گردان). خصایص صوتی و آوایی انتهای واژگان به‌کار رفته در این بخش از دعا در کنار عبارت‌های کوتاه و قطعه‌گونه آن، تداعی گر صدای کوبش باران، ابتدا به‌صورت نرم و سپس تند و مستمر و ضرباهنگ‌گونه، یکی پس از دیگری است. بدین ترتیب، گفتمان حاضر، آهنگی کوبشی را در نمودی مستمر نمایان می‌سازد که اثر عاطفی امید و گشایش را تولید می‌کند زیرا «بردباری برای رسیدن به هدف، نوعی انتظار و مقاومت برای گشایش است که در آموزه‌های دینی سابقه داشته و در ادبیات تعلیمی فضایل اخلاقی به شیوه هنرمندانه آموزش داده می‌شود.» (افراسیاب‌پور، ۱۳۹۱: ۱۰۳). و این‌گونه، رسالت ادبیات تعلیمی در گفتمان تأمین می‌شود.

۴-۳ نقش جسم- ادراکی یا جسمار

جهان عواطف برای بروز خود روش‌های گوناگونی را در پیش می‌گیرد. مهم‌ترین راه‌های ابراز عواطف بیان جسمی آن است که جانشین گفتار و بیان می‌شود. برای مثال، شوشگر عاطفی در شرایطی قرار می‌گیرد که موجب شرم و خجالت وی می‌شود و بیان جسمی همچون برافروختگی صورت و یا لرزش دست یا سر به زیر افکندن، این نمایه عاطفی را از خود بروز می‌دهد. بدین ترتیب، می‌توان گفت «نمایه‌های عاطفی بروز یافته در جسم، نوعی گفتمان هستند و به همین دلیل است که از ترکیبات جسمی- ادراکی گفتمان صحبت به میان می‌آید. لذا می‌توان آنها را ارزش‌یابی و صحت‌وسقم آنها را بررسی کرد» (شعیری، ۱۳۹۵: ۱۲۶). در گفتمان امام رضا (علیه السلام) در دعای باران، امام پس از جملات پی‌درپی و عبور ابرها و تفسیر گذر هر ابر و در نهایت فرارسیدن ابر مطلوب و باران‌زا، آن را به مردم معرفی می‌کند و می‌فرماید این همان ابری است که خداوند برای شما فرستاده است پس خداوند را به خاطر نعمتش سپاسگزاری کنید. در حقیقت ابری شدن آسمان و آمدن ابر باران‌زا و دیدن نعمت، امید و فرح را در جسم شوشگران پدید می‌آورد و آنان را به حرکت وامی‌دارد و از شدت بارانی که قرار است بیارد، گویا دنبال پناهگاه می‌گردند: «وَتَحَرَّكَ النَّاسُ كَأَنَّهُمْ يَرِيدُونَ التَّنْحِي عَنِ الْمَطَرِ» (و مردم به جنب و جوش در آمدند گویا که از شدت باران از آن کناره می‌گیرند) (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۸۳). بنابراین این شوش انتظار و امیدوار شدن، نمایه جسمی تحرک و جنب و جوش را در جسم شوشگران (مردم) پدید می‌آورد.

۴-۴ صحنه‌های عاطفی یا صحنه‌پردازی

بروز جسمانه‌ای عواطف بر جسم شوشگران ممکن است دارای صحنه‌ای باشد که در آن شوشگران عاطفی به گونه‌ای منحصر به فرد به عنوان یکی از عناصر اصلی صحنه ظاهر شوند. در حقیقت، برای بروز عواطف و احساسات در گفتمان، قایل بودن به چارچوب صحنه‌ای بدین معناست که برای به ظهور رساندن احساسات، نیازمند قالبی زمانی و مکانی و عنوان بشری و غیربشری هستیم. در تحلیل گفتمان مذکور در دعای باران،

امام در هنگام طلب باران از نمایه‌های مختلفی بهره برده است. برای مثال «فَاسْقِهِمْ سَقِيًّا نَافِعًا عَامًّا غَيْرَ رَائٍ وَلَا ضَائِرٍ». امام بارانی را برای مردم می‌خواهد که سودمند و غیر مضر باشد و این نمایه طبیعی بیانگر حکمت و بینش امام است و نمایه مصلحت را تولید کرده است. در این بخش از دعا به خصوص هنگامی که از دو صفت «غَيْرَ رَائٍ و غَيْرَ ضَائِرٍ» استفاده شده، مؤگد این موضوع است که همان‌طور که باران مضر و نافع وجود دارد، ولایت مضر و سودمند هم وجود دارد. امام هژمونی باور به ولایت و ولایت‌پذیری را به مخاطب خود منتقل میکند و آنجا که درخواست مضر نبودن باران می‌نماید، کنایه‌وار سخن از مضر بودن ولایت مأمون می‌کند. استفاده از صور کنایی در این گفتمان فرصتی بی‌نظیر برای امام (علیه السلام) بود تا به وجود ولایت مضر و سودمند اشاره کند و تشبیهی ظریف بین باران مفید و مضر با ولایت مفید و مضر برقرار کند. لایه‌های ضمنی موجود در این بخش از گفتمان در عین حال که صورتی ظاهری دارد و آن طلب باران مفید برای مردم است، به نوعی در خود به سودمندی ولایت اهل بیت رسول خدا ﷺ اشاره دارد.

۵-۴ چشم‌انداز یا دورنمای سازی

از دیگر عوامل بروز احساسات در فرایند عاطفی گفتمان، موضعگیری گفته‌پرداز است. در واقع، عواطف و احساسات زمانی بروز پیدا می‌کنند که عاملی در روند گفتمان نسبت به دیگر عوامل و پدیده‌ها موضعگیری کند. امام رضا (علیه السلام) در سرتاسر گفتمان، موضع خود یعنی حق ولایت و جهان‌بینی توحیدی را مطرح می‌کند: «فَتَوَسَّلُوا بِنَا كَمَا أَمَرْتُمْ وَأَمَلُوا فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ وَتَوَقَّعُوا إِحْسَانَكَ وَنِعْمَتَكَ» (مردم به ما متوسل شدند آن‌سان که تو امر کردی و به فضل و رحمت تو امید بستند و دل به احسان و نعمت تو دارند، پس آنان را به گونه ای سودمند و نه مضر سیراب گردان) (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۸۳). امام (علیه السلام) در طلب باران و احقاق آن به دنبال ارائه موضع دینی و ولایت‌محور خود است و این منظور خود را در خلال گفتمان، تولید و به گفته‌یاب انتقال می‌دهند.

باید گفت، مکر و حیلۀ حاسدان امام نزد مأمون سبب خیر برکت و فرصتی برای اثبات جایگاه اجتماعی ایشان و اثبات بیش از پیش حقانیت حضرت در رهبری جامعه شد. در

نتیجه، امام با استفاده از بخش‌های مختلف این دعا و در ضمن عبارت‌های گوناگون، دورنمایی قابل تحقق از مبانی اعتقادی اسلام و لزوم حرکت جامعه به سمت ولایت راستین را ترسیم می‌نماید.

۴-۶. کنش‌زایی و سکون

آخرین موردی که گفتمان را عاطفی می‌سازد، مبحث کنش‌زایی و سکون عنصر عاطفی است. در واقع، هرگاه یک عنصر عاطفی موجب کنش گردد، آن را «زایا» می‌نامیم. برعکس، هرگاه عنصر عاطفی علاوه بر توقف خود، مانع بروز کنش دیگری نیز شود، با نوعی سرکوب و سکون مواجهیم. ابری شدن آسمان و بارش باران شوشی مبتنی بر یقین را در شوشگران پدید آورد و این نمایه عاطفی تولیدشده آنان موجبات کنش بعدی را در آنها فراهم آورد. در حقیقت «زبان باز نمودی از دنیاست و تولیدات زبانی از شیوه حس کردن مایه می‌گیرد؛ به گونه‌ای از صافی حواس عبور می‌کند و به گونه‌ای می‌تواند از صافی حواس عبور کند. بنابراین، هر یک از حواس می‌توانند منشأ تولیدات زبانی به‌شمار روند» (رادمنش و شعیری، ۱۳۹۲: ۱۴). در واقع، در این گفتمان ملاحظه می‌کنیم مردم پس از مشاهده باران و اثبات حقانیت قول و کردار امام رضا (علیه السلام) یک‌صدا می‌گویند: «فَجَعَلَ النَّاسُ يَقُولُونَ: هَنِيئًا لَوْلَدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ» (گوارا باد کرامات خداوندی بر فرزند رسول خدا ﷺ) (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۸۳). بدین ترتیب، بارش باران و تحقق دعای امام مقدمات کنش‌هایی چون عبادت و بندگی و حمد را در شوشگران ایجاد می‌کند. این گفتمان، گفتمانی زایاست نه عقیم زیرا گفتمان امام، گفتمانی انقلابی و کنش‌زاست و شوشگران را بر آن می‌دارد که در طلب منجی (باران) پس از برآورده شدن دعای امام به ایشان تبریک بگویند و به حقانیت ولایت ایشان بیش از پیش باورمند شوند. می‌توان گفت تبریک آنان به امام تنها به خاطر باران نیست، بلکه ناظر به نتیجه استجاب این دعاست که همان اثبات ولایت و حقانیت فرزند رسول خدا ﷺ است.

در کنار عناصر زبانی دخیل در تولید گفتمان می‌توان گفت دیگر مؤلفه‌های خارجی هم در تشکیل گفتمان دخیل و مؤثر هستند. عواملی چون شرایط اجتماعی موجود در آن زمان

در کنار غلبهٔ حاکمان جور، حضرت را بر آن می‌دارد تا از گفتمانی مخفی و کنایی برای بیان مقاصد خود بهره ببرد. در شرایط خشکسالی حاکم بر آن منطقه، انتخاب گفتمان دعا بسیار مفید و سودمند است.

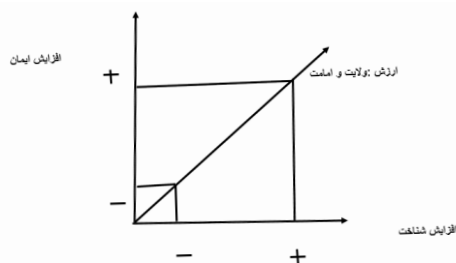
در مجموع می‌توان گفت، عناصر سازندهٔ گفتمان عاطفی امام (علیه السلام) در جهت تعلیم و انتقال گفتمان هژمونیک امامت و ولایت است. در ادامه، نمایهٔ این مسئله با استفاده از عناصر گفتمانی موجود در نشانه - معناشناسی که شعیری در کتاب خود (تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان) نه به شکل نموداری بلکه به‌طور پراکنده به آنها اشاره کرده است، ارائه می‌شود:

نمودار ۱: شگردهای تعلیم و انتقال هژمونی ولایت در گفتمان امام رضا (علیه السلام)

چنان‌که از نمودار فوق برمی‌آید مؤلفه‌های شش‌گانهٔ پیرامونی دخیل در شکل‌گیری گفتمان هژمونیک به‌گونه‌ای نزدیک به هم و برابر در این امر دخیل هستند و مدوّر بودن این نمودار حاکی از دَوّران مؤلفه‌های خارجی گفتمان و سهم مشترک آنان در القای گفتمان هژمونیک در دعای مورد بررسی است.

۵. نظام تنشی

در نظام گفتمان تنشی، «تنش چاشنی اصلی کنش و حرکت کنش گذار است» (شعیری، ۱۳۹۴: ۴۸). این نظام متشکل از دو جریان است که یکی مربوط به حالت روحی است و دیگری به حالت عاطفی کنشگر تعلق دارد. تنش موجود در فضای این نظام متشکل از دو بُعد «شناختی» که همان گستره‌های گفتمانی هستند و بُعد «عاطفی» - که فشاره‌های عاطفی را پدید می‌آورند - است. در واقع، از تعامل دو بُعد عاطفی (کیفی) و بُعد شناختی (کمی) مربع تنشی گفتمان ترسیم می‌شود. ماهیت مربع تنشی بر مبنای دو محور عمودی و افقی تشکیل شده است، که از اصل محور x و y پیروی می‌کند. محور y همان منطقه فشاره‌ای یا درونه‌های عاطفی و محور x ، همان منطقه گستره‌ای و یا برونه‌های شناختی است. بنابراین، در فضای تنشی، «اگر فضای تنشی بسیار قدرتمند و پرانرژی باشد، سوگیری تنشی به سمت قوی بودن درونه عاطفی است اما اگر سوگیری تنشی بافت عاطفی همراه و کم انرژی باشد، فضای تنشی هم ضعیف است.» (ناییبی و شعیری، ۱۳۹۵: ۶۸). بر این اساس، از آنجاکه گفتمان امام رضا (علیه السلام) در «دعای طلب باران» از نوع گفتمان‌های نوسانی است و رابطه گستره‌ای و فشاره‌ای در آنها حاکم است، می‌توان حالات شوشگران را در مربع تنشی به تصویر کشید و اینکه شوشگران پس از مشاهده باران و حقانیت دعای مردم چگونه به تأیید امام رضا (علیه السلام) می‌پردازند. در واقع، با افزایش میزان شناخت مردم، درجه ایمان آنان به قول الهی امام افزایش می‌یابد. بدین ترتیب، عواطف و شناخت در مربع تنشی به‌طور مساوی رشد می‌یابند. می‌توان آن را بدین شکل تصویر کرد:



نمودار ۲: طرحواره افزایش همزمان قدرت فشاره و گستره در گفتمان امام رضا (علیه السلام) در دعای باران

در واقع، با افزایش میزان دانستن و شناخت مردم و دیدن صحنه باران، با رشد عنصر شناختی مواجهیم. همچنین با افزایش شناخت مردم هیجان‌های آنان نیز افزایش می‌یابد و یک صدا می‌گویند گوارا باد کرامات خداوندی بر فرزند رسول خدا ﷺ: «ثُمَّ جَاءَتْ بُوَابِلَ الْمَطَرِ فَمُلَّتْ الْأَوْدِيَةُ وَالْحِيَاضُ وَالْغُدْرَانُ وَالْقُلُوبَاتُ فَجَعَلَ النَّاسُ يَقُولُونَ: هَنِيئًا لَوْلَدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ» (آنگاه باران تندی بارید و بیابان‌ها و برکه‌ها و آبگیرها و صحراها پر از آب شد، و مردم را بر آن داشت که بگویند: گوارا باد این کرامت خداوندی بر فرزند رسول خدا ﷺ) (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۸۳).

نتیجه

با تحلیل نشانه - معناشناسانه گفتمان هژمونیک امام رضا (علیه السلام) در دعای «طلب باران»، این نتایج به دست آمد:

۱. تحلیل نظام کنشی گفتمان امام رضا (علیه السلام) بیانگر مطالب زیر است: الف) هسته اولیه روایت را کنش دعای امام رضا (علیه السلام) تشکیل می‌دهد. ب) امام رضا (علیه السلام) به عنوان کنشگر، با در دست داشتن برنامه کنش از طرف پیامبر ﷺ و حضرت علی (علیه السلام) به عنوان دو کنش‌گزار، کنش دعا را انجام می‌دهد و نتیجه برنامه مبتنی بر تبلیغ، اعلام، انتقال ولایت و امامت محقق می‌گردد. ج) امام رضا (علیه السلام) در تعلیم مباحث دینی به گونه تجویزی به پند و اندرز مردم می‌پردازد. این گونه گفتمان کنشی مبتنی بر شناخت و منطق است که امام پس از محقق شدن قول خویش یعنی بارش باران، به مردم تعلیم می‌دهد که حمد الهی لازمه هر نعمت است و این حمد زمانی محقق می‌گردد که حق اولیای الهی را بشناسیم و به آن معترف باشیم. ه) همچنین، در ابتدای گفتمان، حاسدان و متعصبان امام از طریق گونه گفتمانی اغواء و تحریک مأمون مبتنی بر ولی‌عهدی امام و ارتباط آن با خشکسالی، توانستند انگیزه کنش را در مأمون ایجاد کنند و همین انگیزه موجب شد که مأمون از امام درخواست دعای باران کند.

۲. تحلیل نظام عاطفی گفتمان امام رضا (علیه السلام) در این دعا بیانگر این مطلب است که تمام عناصر سازنده گفتمان عاطفی دو مفهوم را تولید می کنند الف) تعلیم برنامه دین و عبودیت ب) انتقال گفتمان هژمونیک امامت و ولایت.

۳. تحلیل نظام تنشی گفتمان امام بیانگر این مطلب است که امام با تفسیر بارش باران، شناخت مردم را افزایش می دهد و با افزایش شناخت به طور همزمان، ایمان مردم به گفته اولیای الهی افزایش پیدا می کند و نتیجه این افزایش ایمان، درک مفهوم امامت، ولایت و تعلیم آموزه های دینی است که در خلال گفتمان تأمین می گردد. بنابراین، در مربع تنشی گفتمان شاهد رشد همزمان محور گستره و فشاره هستیم.

منابع و مآخذ

- آلگونه جونتانی، مسعود. (۱۳۹۶). «پژوهشی در باب زمینه‌های نظری انفصال و اتصال گفتمانی». *دوفصلنامه روایت‌شناسی*. صص: ۲۵-۱.
- آیتی، اکرم. (۱۳۹۲). «مانلی نشانه سیال نشانه - معناشناختی شعر مانلی نیما یوشیج». *مجله شعرپژوهی بوستان ادب*. صص: ۱۶-۱.
- _____ . (۱۳۹۴). «تقابل من و دیگران در شعر منظومه شهریار و نیما». *دوماهنامه جستارهای زبان*. صص: ۳۹-۲۱.
- ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین. (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا*. قم: انتشارات شریف رضی، ج ۲.
- افراسیاب‌پور، علی اکبر. (۱۳۹۱). «فضیلت در ادبیات تعلیمی». *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*. سال چهارم. شماره شانزدهم. صص: ۱۳۰-۱۰۳.
- پارسا، سیداحمد و رحیمی، منصور. (۱۳۹۶). «بررسی نشانه - معناشناسی داستان لیلی و مجنون جامی بر پایه تحلیل گفتمان». *فنون ادبی (علمی-پژوهشی)*. صص: ۱۸-۱.
- توحیدلو، یگانه و شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۶). «تحلیل نشانه - معناشناختی دروغ: لغزندگی». *ویژنه‌نامه قصه‌شناسی فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه*. صص: ۹۶-۱۱۰.
- داد، سیما. (۱۳۸۵). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: مروارید.
- داودی‌مقدم، فریده. (۱۳۹۳). «تجزیه و تحلیل ادبی زبان داستان قرآنی موسی (علیه السلام) و خضر (علیه السلام) از منظر نظام‌های گفتمانی». *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ادبی-قرآنی*. صص: ۱۳۳-۵۹.
- _____ . (۱۳۹۱). «تحلیل نشانه - معناشناختی شعر آرش کمانگیر و عقاب: تحول کارکرد تقابلی زبان به فرآیند تشبی». *فصلنامه جستارهای زبانی*. شماره اول. صص: ۱۲۴-۱۰۵.
- رادمنش، شبنم السادات و شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۲). «بررسی نشانه - معناشناختی رابطه عنوان و نقاشی: مطالعه موردی تداوم خاطره اثر سالواد دالی و جیغ اثر ادوارد مونش». *فصلنامه تخصصی نقد ادبی*. صص: ۳۰-۷.
- زیرک، ساره. (۱۳۹۵). «نشانه - معناشناسی عاطفی گسست و انسداد گفتمانی در داستان حسنک وزیر». *نقد و نظریه ادبی*. صص: ۹۱-۷۶.
- سلمانی، نیلوفر و حمیدیه، بهزاد. (۱۳۹۴). «هویت و هژمونی در گفتمان فقر در قرآن با رویکردی به نظریه زبان‌شناسی نوین». *کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی روانشناسی و علوم اجتماعی*.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۴). *تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان*. چاپ چهارم. تهران: سمت.
- _____ . (۱۳۹۵). «نشانه - معناشناسی ادبیات: نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی». تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
- _____ . (۱۳۸۸). «از نشانه‌شناسی ساختارگرا تا نشانه - معناشناسی گفتمانی». *فصلنامه تخصصی نقد ادبی*. صص: ۵۱-۳۳.
- شعیری، حمیدرضا و معموری، علی. (۱۳۸۶). «دانش زبان‌شناسی و کاربرد آن در مطالعات قرآنی». *مجله قرآن و علم*. صص: ۱۷۶-۱۶۱.

- شعیری، حمیدرضا و مقدمی، محمدتقی. (۱۳۹۰). «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن». معرفت فرهنگی/اجتماعی. صص: ۹۱-۱۲۴.
- گرامشی، آنتونیو و رائی، حبیب. (۱۳۸۸). «نظریه هژمونی». کتاب ماه علوم/اجتماعی. دوره جدید. ش ۱۶. صص: ۹۹-۱۰۹.
- میرزایی، فرامرز و جمال امید، احمد. (۱۳۹۴). «تحلیل نشانه معناشناسی گفتمانی در داستان کوتاه «خا» اثر نجیب محفوظ». جستارهای زبانی. صص: ۲۳۷-۲۶۰.
- نایی، سلما و شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۵). «تحلیل بازنمایی سکوت بر اساس کارکرد تنشی گفتمان در سینمای کیشلوفسکی». دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه هنر. صص: ۷۹-۶۵.
- نصیحت، ناهید؛ روشنفکر، کبری؛ پروینی، خلیل و میرزایی، فرامرز. (۱۳۹۱). «نشانه معناشناسی ساختارروایی رمان «و ما تشاؤون» بر اساس نظریه گریماس». نقد ادب عربی. صص: ۳۹-۶۳.
- یلمه‌ها، احمدرضا. (۱۳۹۵). «بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و سیر تطور آن در ایران». پژوهشنامه ادبیات تعلیمی. ش ۲۹. صص: ۹۰-۶۱.